

چیزی علوم اسلامی و رابطه آن با علوم انسانی از منظر شهید مطهری

علی کربلانی پازوکی¹
محمد رضا میرهادی تفرشی²

چکیده

هدف: دین و انبیا برای انسان‌سازی، هدایت، تربیت و سعادت انسان آمده‌اند و از طرفی، موضوع علوم انسانی نیز انسان و مسائل فردی و اجتماعی اوست. از این رو، معارف قرآنی با مسائل علوم انسانی در بسیاری از موضوعات دارای مرز مشترک است. از این رو، هدف این نوشتار، یافتن رابطه معنادار بین علوم اسلامی و علوم انسانی از منظر شهید مطهری بوده است. **روش:** پژوهش حاضر با نگاه کیفی از روش توصیفی با تحلیل محتوا به شیوه کتابخانه‌ای استفاده کرده است. **یافته‌ها:** 1. تمام علومی که در رشد و تعالی انسان و برآورده کردن نیازهای لازم جامعه اسلامی مؤثرند، اگر دارای ماهیت از اویی و به سوی اویی باشند، از باب فریضه در زمره علوم اسلامی قرار دارند. 2. استاد مطهری در بعضی از حوزه‌ها از جمله تعلیم و تربیت، اخلاق، جامعه و تاریخ، حقوق زنان و مسائل خانوادگی، رهبری و سیاست و حتی اقتصاد، هر چند محدود، به تولید علوم انسانی اسلامی پرداخته‌اند. 3. علوم انسانی غرب به دلیل شکل‌گیری در بستر اندیشه‌های مادی و طبیعت‌گرایانه، با محوریت تجربه و عقل ابزاری و جهت‌گیری سکولار با اهداف امانت‌سستی، علوم انسانی مورد نظر اسلام نیستند. **نتیجه‌گیری:** علوم انسانی اسلامی مورد نظر شهید مطهری دارای ماهیت توحیدی، فطرت‌گرا، مستند به منبع وحی و سنت و آرای اندیشمندان اسلامی‌اند و از داده‌های عقل کلی و شهودی و وحی، افزون بر داده‌های علوم تجربی و آماری مدد می‌جویند.

واژگان کلیدی: مطهری، علوم اسلامی، علوم انسانی، ماهیت، فطرت، توحید.

دریافت مقاله: 95/04/01؛ تصویب نهایی: 95/10/15.

1. دکترای کلام اسلامی، دانشیار گروه الهیات و معارف اسلامی دانشگاه علامه طباطبائی (ره) (نویسنده مسئول) / نشانی: تهران، پل مدیریت، دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه علامه طباطبائی (ره) / شماره: 88694660 / yahoo.com / 1383@karbalaei1383 Email:
2. کارشناس ارشد متون و تاریخ اسلام، مربی و عضو هیئت علمی گروه الهیات و معارف دانشگاه الزهرا (س)، ایران.

الف) مقدمه

گرچه با پیشرفتهای علوم طبیعی و رشد صنعتی در دنیای غرب، تا حدودی آسایش مادی برای انسان فراهم شد، اما بشر امروز با نوعی تحیر معرفتی، نسبی‌انگاری اخلاقی، رشد سودگرایی و لذت‌طلبی مادی، بحران روحی و روانی، بحران معنویت، فناوری و محیط زیست دست به گریبان است و از آنها رنج می‌برد. بخش مهمی از این مشکلات، ناشی از نوع نگاه علوم انسانی دوره مدرنیته به علم، انسان، مبداء، فرجام، جهان و سعادت و کمال است که بر پایه جهان‌بینی و اعتقادات مادی‌گرایانه و نفی حقایق ماورای طبیعی شکل گرفته است. استاد مطهری در این مورد می‌گوید: بزرگ‌ترین بحرانی که در حال حاضر بر جامعه بشریت خصوصاً بر جوامع به اصطلاح پیشرفته صنعتی حکومت می‌کند بحران معنویت است (مطهری، 1375: 229)؛ که ناشی از نگرش مادی به جهان و نداشتن تعبیر و تفسیر روحانی از آن است. (همو، 1384 الف: 17). از وقتی که علوم انسانی بر مبنای اعتقادات سکولاریستی، لیبرالیستی و امانیستی شکل گرفت؛ اقتصاد، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، مدیریت و سایر رشته‌های علوم انسانی خالی از ماهیت توحیدی شد. در نتیجه، تمام تحرکات جامعه به سمت گرایش مادی و دور از اخلاق و معنویت قرآنی پیش رفت. این مسئله سبب شد اندیشمندان بزرگ اسلامی با نگاه آسیب‌شناسانه به علوم انسانی سکولار، درصدد تجدید بنای علوم انسانی قرآن‌محور و بنای آن با توجه به واقعیت‌های امروز جامعه اسلامی بپردازند. از جمله اولین دانشمندان اسلامی که دغدغه اسلامی‌سازی علوم انسانی را داشته و گاه در قالب کتاب و اکثراً به صورت سخنرانی، علاوه بر آسیب‌شناسی علوم انسانی رایج درصدد ارائه الگویی برای علوم انسانی اسلامی بوده، استاد مرتضی مطهری است. در این تحقیق با تعریف و تبیین ماهیت علوم اسلامی از منظر شهید مطهری، به بیان ویژگی‌های آن می‌پردازیم و در ادامه، دیدگاه ایشان را در مورد علوم انسانی اسلامی بیان می‌کنیم.

ب) تعریف علوم اسلامی

استاد مطهری در جلد اول کتاب «آشنایی با علوم اسلامی» ابتدا به تعریف این علوم می‌پردازد و یادآور می‌شود بنا بر هر تعریف، موضوع و مسائل آن فرق می‌کند.

1. [علوم اسلامی] علمی است که موضوع و مسائل آن علوم اصول و فروع اسلام است یا چیزهایی [علمی] که اصول و فروع اسلام با استناد آنها اثبات می‌شود (یعنی قرآن و سنت)؛ مانند علم تفسیر، علم حدیث، علم کلام، علم فقه.
2. [علوم اسلامی] علوم مذکور در مورد فوق به علاوه علمی که مقدمه آن علوم است، مانند ادبیات عرب، منطق، اصول فقه، کلام عقلی و رجال.
3. علمی که به نحوی جزء واجبات اسلامی است؛ یعنی علمی که تحصیل آن علوم به نحو واجب کفایی بر مسلمین واجب است و مشمول حدیث معروف نبوی: «طلب العلم فریضه علی کل مسلم»

7 **◆** چیستی علوم اسلامی و رابطه آن با علوم انسانی از منظر شهید مطهری

می‌شود (کلینی، 1363، ج 1: 30، ح 1). استاد مطهری می‌گوید: «کنون می‌گویم علوم فریضه که بر مسلمانان تحقیق در آنها واجب است، منحصر به علوم فوق نیست؛ بلکه هر علمی که بر آوردن نیازهای جامعه اسلامی موقوف به دانستن آن علم و تخصص و اجتهاد در آن علم باشد، بر مسلمین تحصیل آن علم از باب باصطلاح مقدمه تهیوی¹ واجب و لازم است. ... علوم اسلامی بر حسب تعریف سوم، شامل بسیاری از علوم طبیعی و ریاضی و [انسانی] که مورد احتیاج جامعه اسلامی است نیز می‌شود» (مطهری، 1358: 13-10). بنابر این، علم اسلامی از منظر استاد مطهری اعم از علوم اسلامی مصطلح و رایج است.

تعریف علوم انسانی: اگر چه در مورد تعریف علوم انسانی اجماع کاملی وجود ندارد، اما در یک تعریف گفته شده: علوم انسانی دانشهایی ناظر به رفتار، حالات و شئون انسان است؛ اعم از رفتارهای فردی یا اجتماعی...؛ یعنی آنچه مورد مطالعه علوم انسانی قرار می‌گیرد، حالات و شئون و (کنشهای) انسانی انسان است. (فای، 1377: 30.32)

ج) ماهیت علوم اسلامی از منظر شهید مطهری

با توجه به تعاریف سه‌گانه پیش گفته، به بیان حقیقت علم اسلامی از دیدگاه استاد مطهری می‌پردازیم تا به فهم بهتری از علوم انسانی مورد نظر ایشان برسیم. استاد مطهری در کتاب «تعلیم و تربیت» در مورد حدیث نبوی «طلب العلم فریضه علی کل مسلم» (مجلسی، 1403، ج 1: 177) سؤالی را مطرح می‌کند: «کدام علم؟»؛ یعنی مراد پیامبر (ص) از اینکه علم را به عنوان فریضه مطرح می‌کند، کدام علم است؟ ایشان بعد از نقل اقوال مختلف در این مورد (مانند علم فقه، اخلاق، کلام، تفسیر)، علم را به دو دسته تقسیم می‌کند:

1. علمی که واجب عینی‌اند؛ مانند «معرفه‌الله، شناخت کتابهای آسمانی و انبیا و روز آخرت». چون ایمان در اسلام، «گرایش از علم است نه گرایش از تقلید». بنابر این، (علم عقاید) علم واجب عینی و خودش هدف است.

2. علمی که مقدمه هدفند و مقدمه، یک امر واجب است. این علم نیز از باب مقدمه واجب، واجب می‌شود. استاد مطهری می‌گوید: علم یا خودش هدف است، مثل همین اصول عقاید یا مقدمه برای هدفی است. هر جا خودش هدف است، واجب است. هر جا خودش هدف نیست، اگر هدفی از هدفهای اسلامی متوقف بر آن باشد، از باب مقدمه واجب، واجب می‌شود. (مطهری، 1391، ج 22: 69)

1. مقدمه تهیوی؛ یعنی واجبی که ما را آماده می‌کند برای واجب دیگر. مقدمه تهیوی مقدمه عمل است و ناظر به مسائل مورد نیاز جامعه اسلامی؛ مثلاً اگر بخواهیم نیازها و مشکلات اقتصادی جامعه را حل کنیم و جامعه را به لحاظ اقتصادی سر و سامان دهیم، باید علم اقتصاد را بیاموزیم. تأمین معاش مردم یک واجب کفایی است و علم اقتصاد که مقدمه آن است یک واجب تهیوی می‌باشد اما بعضی از مقدمه‌ها مقدمه علم واجب‌اند مانند کلام عقلی که مقدمه اصول عقاید است.

استاد در تقسیم دیگری، دستورات دینی را به واجب عینی و واجب کفایی تقسیم می‌کند. علم به واجب عینی مانند معرفه‌الله، واجب عینی است؛ اما علم به واجبهای کفایی واجب مقدمی است، مانند علم پزشکی، علم اقتصادی، علم نظامی، علم اجتماعی، علم روانی، حتی علم اخلاق و... بنابر این، دایره علم اسلامی بسیار وسیع می‌شود و بسیاری از علوم از باب مقدمه واجب، واجب و در حوزه علم اسلامی قرار می‌گیرند. استاد مطهری در این مورد می‌فرماید: بنابر این، «طلب العلم فریضه علی کل مسلم» تکلیفش روشن شد. بعضی از علم‌ها، واجب عینی است و بر هر فردی واجب است و بعضی از علم‌ها، واجب کفایی است به اعتبار اینکه مقدمه یک واجب [کفایی] است و مقدمه واجب، واجب است. بنابر این، علم دینی اختصاص به علومی ندارد که موضوع آن علوم [فقط] مسائل دینی است. آموختن خود دین، یک علم است. آموختن چیزی که انسان بخواهد وظیفه دینش را به وسیله آن انجام دهد، علم دیگری است (همان: 699) و هر دوی اینها علم دینی‌اند. بنابر آنچه گفته شد، استاد مطهری برای علوم اسلامی محدودده وسیعی را قائل است. بعضی از علوم مانند علم عقاید و فقه، مستقل و ذاتاً در زمره علوم اسلامی قرار می‌گیرند. بعضی از علوم مانند ادبیات، منطق، اصول فقه، رجال و... که مقدمه علم واجب‌اند، از باب مقدمه واجب، واجب است. بعضی از علوم از باب فریضه و مقدمه تهیوی و به عنوان مقدمه یک واجب کفایی (مانند طبابت، تجارت، قضاوت و...) واجب می‌شوند؛ یعنی علومی که ناظر به مسائل مورد نیاز جامعه اسلامی‌اند و نیازی از نیازهای مسلمانان و جوامع اسلامی را برطرف می‌کنند.

با توجه به اینکه «علم بما هو علم»، حتی از باب متعلقش نمی‌توان آن را به خوب و بد تقسیم کرد، آنچه یک علم را علم اسلامی یا غیر اسلامی می‌کند، آن است که در خدمت چه اهداف و غایاتی قرار گیرد. اگر علمی در خدمت فهم بهتر آموزه‌های دینی و برطرف کردن مشکلی از مشکلات جوامع اسلامی باشد و رمزی از اسرار مبدا و معاد را بیان کند، علم دینی است. استاد مطهری در این مورد می‌گوید: «امروزه اصطلاح شده که بعضی علوم را که مستقیماً یا مقدمتاً به مسائل اعتقادی یا اخلاقی یا احکام (فقهی) برمی‌گردد، علوم دینی و سایر علوم را علوم غیر دینی می‌خوانند و می‌پندارند که توصیه‌های اسلام به علم، راجع به علوم دسته اول است؛ یعنی علومی مثل فقه و اخلاق یا ادبیات عرب و منطق؛ در حالی که از نظر اسلام، هر علمی که به حال مسلمین مفید باشد و گرهی از کار آنها باز کند، فریضه دینی و علم دینی است. حدیثی هم که از پیامبر(ص) نقل شده و علم را منحصر در سه چیز می‌داند،¹ ناظر به تکالیف و وضع آن روز مسلمین است (تا سراغ علومی چون انساب‌شناسی که فایده‌ای ندارد، نروند)، نه راجع به زمانی که مسلمین با آشنایی به قانون اساسی اسلام، به تدوین علوم مختلف پرداخته‌اند» (مطهری، 1380: 33). به هر حال، بر اساس رویکرد استاد مطهری، علم دینی ماهیتاً هیچ تفاوتی با علم غیر دینی ندارد و تنها تفاوت آنها، تفاوت

1. انما العلم ثلاثة: آیه محکمه و فریضه عادله و سنه قائمه (کلینی، 1363، ج 1: 32)

9 **◆** چيستی علوم اسلامی و رابطه آن با علوم انسانی از منظر شهید مطهری

در غایات و مقاصد این دو است. علوم انسانی موجود در صورتی که در خدمت غایات و اهداف دینی قرار گیرند، علم دینی خواهد بود و در صورتی که در خدمت اهداف و مقاصد غیر دینی باشند، غیر دینی خواهند بود. (شریفی، 1393: 181)

(د) ویژگی های علوم اسلامی از منظر شهید مطهری

با جستجو در لابه لای کتابها و سخنرانی های استاد مطهری می توان ویژگی هایی را برای علوم انسانی اسلامی یافت که در ادامه به بیان آنها خواهیم پرداخت.

1. ماهیت توحیدی علوم اسلامی

یکی از ویژگی های علوم اسلامی آن است که نشان دهد جهان و انسان، ماهیتی «ز اویی» و «به سوی اویی» دارد: «انا لله و انا الیه راجعون» (بقره: 156). علوم اسلامی درصدد است نشان دهد انسان از یک مشیت حکیمانه پدید آمده و نظام هستی بر اساس خیر و وجود و رحمت و رسانیدن انسان و موجودات به کمالات شایسته آنها استوار است. از منظر معرفت شناسی اسلامی، جهان تک محوری است و موجودات، از جمله انسان، بیهوده و بدون هدف خلق نشده اند و جهان گاهواره تکامل انسان است. انسان در میان موجودات از شرافت و کرامت مخصوص برخوردار و شایسته خلافت الهی و مسئول تکمیل و تربیت خود و اصلاح جامعه خویش است. جهان، مدرسه انسان است که با یک سلسله نظامات قطعی که «سنن الهیه» است، اداره می شود. قضا و قدر الهی که بر همه جهان حاکم است، وجود هر موجودی را تنها از مجرای علت خاص خودش به وجود می آورد و بر اساس آن، انسان آزاد و مختار و مسئول و حاکم بر سرنوشت خویش است. نظام موجود، نظام احسن و اکمل است و جهان به عدل و به حق برپاست. نظام عالم بر اساس اسباب و مسببات برقرار است و هر نتیجه ای را باید از مقدمه و سبب مخصوص انتظار داشت. (مطهری، 1382: 20-15)

بنابر این، نگرش علوم اسلامی به جهان و انسان، با نگرش علوم سکولار تفاوت مبنایی دارد. یکی جهان و انسان را بی هدف، کور و مادی که دارای پایانی غمبار و نگران کننده است بیان می کند و دیگری، برای انسان مبدء و معاد و برای جهان شعور و آینده ای روشن که بر اساس مشیتی حکیمانه و سنتهای الهی اداره می شود، معرفی می کند. استاد مطهری می گوید: انسانی که اسلام می خواهد با انسانی که مکتبهای فلسفی بشری می خواهند از زمین تا آسمان فرق دارد. ... اسلام همیشه به مسائل از جهت توحیدی و خدایی نظر می کند (مطهری، 1365: 83). آنچه در اسلام مقصد است... برگرداندن موجودات طبیعی به ألوهیت، و تمام علوم طبیعی و غیر طبیعی به علم الهی است و از دانشگاهها هم این معنا مطلوب است... مهم آن مرکز ثقل است که توحید است. تمام اینها باید برگردد به آن جهت الوهیت. (امام خمینی، بی تا، 8: 435)

2. کثرت‌گرایی در ابزارهای معرفتی

علوم انسانی جدید دنیای غرب از نظر ابزارهای معرفتی، خود را به حس و استقرای¹ ناقص، تجربه و آزمون و عقل ابزاری محدود کرده است. این مسئله، به خصوص بعد از دیوید هیوم و کانت به صورت جدی پیگیری می‌شود. معرفت‌شناسی پوزیتیویستی قرن نوزدهم و بیستم نیز هرگونه شناخت فرا حسی و عقلی را بی‌معنا، غیر معتبر و بی‌ارزش تفسیر کرد که نمی‌تواند بیانگر واقعیت و حقیقتی باشد (گلشنی، 200: 1393). اما از منظر استاد مطهری، نگاه معرفت‌شناسانه قرآن به ابزارهای معرفت، نگاهی کثرت‌گرایانه است؛ یعنی در منطبق معرفتی قرآن افزون بر حس و تجربه و عقل، روشهای شهودی و وحیانی، از ابزارهای مهم و اساسی در معرفت‌شناسی است. استاد با استناد به آیه 87 سوره نحل: «والله أخرجكم من بطون أمهاتكم لا تعلمون شيئاً وجعل لكم السمع والابصار والافئدة لعلکم تشکرون» (خداوند شما را از شکم مادرانتان بیرون آورد، در حالی که چیزی نمی‌دانستید و برای شما گوش و چشم و قلب قرار دادیم تا سپاسگزاری کنید) می‌گوید: این چشم و گوش تو، لامسه و ذائقه تو، ابزار شناخت است. هر حس ظاهری و باطنی که داری، ابزار شناخت است. آن فکر و لب و قلب، عقل و اندیشه و حجر تو، همه اینها ابزار شناخت است. خدا اینها را آفریده تا جهان را بشناسی. بنابر این، این آیه، قرآن این دو ابزار معرفتی [یعنی حس و عقل] را صریحاً به رسمیت می‌شناسد (مطهری، 1389، ج 13: 363). یکی دیگر از ابزارهای شناخت و معرفت از منظر استاد مطهری، «دل» است؛ دل به اصطلاح عرفا، نه اصطلاح قرآنی (همان: 364) که از آن در فرهنگ قرآنی به «نفس» تعبیر می‌کنند. در این روش اگر از راه تزکیه و تهذیب و سیر و سلوک غبارها از پرده دل زدوده شود، می‌توان بعضی از حقایق عالم را مشاهده و شهود کرد. (همان: 368-367)

یکی از اصیل‌ترین و معتبرترین راههای شناخت و معرفت از منظر استاد مطهری، «وحی» است. قرآن خود را بیان و سبب علم به هر چیزی معرفتی می‌کند: «و نزلنا علیک الکتاب تبیاناً لکل شیء» (نحل: 89). علامه طباطبایی می‌فرماید: ... قرآن کتاب هدایت است. مراد از بیان در این آیه، همه آن چیزهایی است که مردم در ابتداء و راه یافتن به آن محتاجند؛ از قبیل معارف حقیقی مربوط به مبدا و معاد و اخلاق فاضله، شرایع و قصص و مواظبی که مردم در هدایت محتاج آن هستند (طباطبایی، 1374، ج 12: 462) و در مورد آیه «و یعلمکم ما لم تکنوا تعلمون» (بقره: 151) آمده است: اگر پیامبران نبودند بسیاری از علوم برای همیشه از ما مخفی بود. آنان تنها رهبر اخلاقی و اجتماعی نبودند، بلکه پیشوای علمی نیز بودند که بدون رهبری آنها علوم انسانی رشد نمی‌کرد. (مکارم شیرازی، 1372، ج 1: 513)

به طور خلاصه در معرفت‌شناسی قرآن‌بنیان، به دلیل کثرت ابزارهای معرفتی (حس، عقل، دل و وحی)، علوم انسانی اسلامی می‌توانند از گستره و ثبات بیشتری برخوردار باشند. استاد مطهری در این مورد می‌گوید: یک عده از دانشمندان جدید، یک باره هر سبک و روشی را غیر از سبک و روش تجربی مردود

1. استقرای ظنی دارد؛ زیرا احساس ساده است، ولی تجربه (در محدوده خودش و تا خلافتش ثابت نشده) اعتبار یقینی و برهانی دارد؛ زیرا تجربه احساس همراه با یک نوع عمل است و آن عمل ماچیزی نظیر عمل عقلی است. (مطهری، 1389، ج 13: 364)

11 **◆** چیهستی علوم اسلامی و رابطه آن با علوم انسانی از منظر شهید مطهری

شمرند و از این رو، آن قسمت از علوم را که از دسترس تجربه خارج بود... بی اعتبار دانستند. از نظر این دسته، هر چه هست [و حقیقت دارد، دستاوردهای] علم [تجربی] است. ولی بدیهی است که قناعت کردن به فراورده‌های علوم [تجربی] طبعاً بسیاری از پرسشهای اندیشه بشری را بلا جواب می‌گذارد. (مطهری، 1391، ج 5: 478)

3. فطرت محوری

یکی از ویژگی‌های علوم اسلامی آن است که بر اساس فطرت و فطریات انسان شکل می‌گیرند؛ بر خلاف معرفت‌شناسی حسی غرب و مکتب آگزیستانسیالیست که انسان را موجودی بی‌ماهیت و بی‌طبیعت می‌داند و بر این باورند که در لوح و ضمیر انسان هیچ معلومی نیست و همه چیز را انسان از بیرون دریافت می‌کند (مطهری، 1389، ج 13: 467؛ 1392، ج 26: 110). بر خلاف معرفت‌شناسی غالب در غرب، اسلام برای انسان قائل به فطرت و معلومات فطری است. استاد مطهری در این مورد می‌گوید: در منابع اسلامی؛ یعنی قرآن و سنت، روی اصل فطرت تکیه فراوان شده است و این حاکی از بینش خاص قرآن در مورد انسان است (مطهری، 1391، ج 3: 451). بر اساس اصل فطرت، انسان به گونه‌ای آفریده شده که از همان آغاز تولد به نحو امکان استعدادی و بالقوه، دارای یک سلسله شناخت و گرایشهای فطری است که نیرویی درونی، انسان را به سوی آنها سوق می‌دهد و همین فطریات پایه‌های اساسی رشد و تکامل او در آینده‌اند. از فطرت گاهی به «صبغه‌الله» تعبیر می‌کنند؛ یعنی رنگی که دست حق در متن تکوین و در متن خلقت، انسان را به آن رنگ متلون کرده است (همان: 460). بنا بر پذیرش اصل فطرت، انسانها با شامه مخصوص خود، خدا را می‌شناسند؛ و به چیزهایی که امروزه تحت عنوان انسانیت و ارزشهای انسانی و خیر اخلاقی نامیده می‌شود، مانند جواب خوبی را باید با خوبی داد، حقیقت‌جویی، زیبایی‌خواهی، کمال‌گرایی و...، گرایش دارند. در واقع؛ ریشه این امور در نهاد و سرشت انسان وجود دارد. بر اساس پذیرش فطرت است که تربیت نیز معنا پیدا می‌کند؛ زیرا تربیت یعنی رشد دادن و پرورش دادن و این مبنی بر قبول یک سلسله استعدادها و گرایشها در انسان است. (همان: 468)

دو نوع نگرش متفاوت به انسان، سبب پیدایش دو نوع تعلیم و تربیت و دو نوع علوم انسانی می‌شود. بر اساس یک نگرش، انسان پذیرا و منفعل محض است؛ حیوان به تمام معناست؛ تهی از تمام شناختها و ارزشهاست؛ باید با آموزش و پرورش او را انسان کرد. بر این اساس، تمام طرحهای آموزشی شکل می‌گیرد و تمام دیدگاههای اجتماعی تفسیر مادی می‌شود. اما در علوم انسانی اسلامی، انسان بالقوه دارای وجدانیاتی است. بسیاری از چیزها را می‌شناسد و به خوبی‌ها گرایش دارد و از بدی‌ها متنفر است. تنها کاری که باید کرد این است که با آموزش و تربیت و عمل باید زمینه‌های رشد این وجدانیات فطری را فراهم آورد و قوای او را به این جهت سوق داد و هدایت کرد.

4. منابع معتبر

در علوم اسلامی هر دیدگاهی در مورد انسان و جهان بیان شود، متکی به قرآن و سنت و وحی الهی است. بنابراین، اگر از کرامت انسان، عدالت، آزادی، تساوی حقوق و... در حوزه مسائل انسانی و اجتماعی سخن

12 ♦ مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی 70

گفته می‌شود، دارای مبنا و منبع مشخص است و این مسئله، اندیشمندان علوم انسانی را قادر می‌سازد با استناد به آن منابع که هماهنگ با فطرت انسان‌اند و با توجه به جامعیت و همه‌جانبگی اسلام، با استفاده از عنصر عقل و روش اجتهاد، پاسخگوی نیازهای زمان و مکان باشند. از این رو، در مکتب اسلام هیچ موضوعی بلا تکلیف نمی‌ماند و عالمان دینی با استفاده از روش اجتهاد و ابزار عقل می‌توانند جواب مسائل را استخراج کنند (مطهری، 1357/الف: 149-151؛ همو، 1391، ج 2: 241-242). بنابر این، با توجه به اینکه اسلام از نظر مواد خام، فوق‌العاده غنی است؛ تنها کاری که مسلمانان باید انجام دهند، استخراج و تصفیه و تبدیل این مواد خام به مواد قابل استفاده است و این مستلزم آگاهی نسبت به نیازهای زمان و مکان و شناخت دقیق از منابع اسلام و تلاش و کوشش در جهت یافتن پاسخ مورد نیاز است. (مطهری، 1384/ب: 95)

بنابر این، در فرهنگ اسلامی با وجود منابع قرآن، سنت، عقل و اجماع، مبانی متخذه از این منابع و روش اجتهاد و ابزار عقل، می‌توان به بسیاری از نیازهای زمان و مکان پاسخ گفت. علوم انسانی غربی شاید مبنا داشته باشند و از عقل نیز استفاده کنند، اما منبع ندارند و مبنایی که منبع قابل اطمینان نداشته باشد، قابل اعتماد نیست.

5. ارزش محوری علم

برخلاف فرهنگ دنیای غرب که علم خنثی و نقش ابزاری دارد؛ در فرهنگ قرآن، علم یکی از ملاکهای فضیلت و برتری است. قرآن می‌فرماید: «یرفع الله الذین آمنوا منکم و الذین اوتوا العلم درجات» (مجادله: 11؛ ن.ک: طباطبایی، 1374، ج 19: 327). لفظ «علم» یکی از کلمات پر استعمال قرآن است (80 مرتبه) و این امر حاکی از اهمیت و جایگاه آن در هندسه معرفت دینی است. پیامبر (ص) در این مورد فرموده‌اند: «ولو علمتم ما فی طلب العلم لطلبتموه ولو بسفک المہج و خوض اللجج» (مجلسی، 1403، ج 2: 105)؛ اگر می‌دانستید در نتیجه طلب علم به چه سعادت‌هایی می‌رسیدید، به دنبال آن می‌رفتید ولو به قیمت اینکه خون شما در این راه ریخته شود یا مستلزم این باشد که اقیانوسها را بپیمایید. استاد مطهری در مورد اهمیت علم برای جامعه اسلامی امروز، آن را از «وجب واجبات» می‌داند و می‌گوید: بنابر این، وقتی پذیرفتیم که اولاً، اسلام جامعه‌ای مستقل و متکی به خود و با عزت و نه تحت سیطره می‌خواهد: «لن يجعل الله الكافرين على المؤمنين سبيلاً» (نسا: 141) و ثانیاً، در دنیا امروزه تحولی پدید آمده که همه کارها بر محور علم می‌چرخد و همه شئون زندگی وابسته به علم شده است و ثالثاً، انجام فرائض و تکالیف فردی و اجتماعی اسلام لااقل از جنبه تهیویی به فریضه علم بستگی دارد؛ آنگاه باید پذیرفت که همه مسلمین به عنوان یک وظیفه شرعی و عمومی باید به سوی علم رو آورند و آن را مثل سایر واجبات، واجب بدانند. خلاصه کلام اینکه این «وجب واجبات» علم امروز باید به شکل جهادی مقدس و همگانی درآید (مطهری، 1380: 34). بنابر این، یکی از ویژگی‌های علوم اسلامی، جنبه تقدسی و بار ارزشی مثبتی است که از آن برخوردار است. بعضی بر این باورند که دین نه تنها تشویق به فراگیری علوم را بر عهده دارد، بلکه خطوط کلی بسیاری از علوم را ارائه کرده و مبانی جامع بسیاری از دانشهای تجربی، صنعتی، نظامی و مانند آن را تعلیم داده است. (جوادی آملی، 1377: 79-82)

ه) علوم انسانی اسلامی از منظر شهید مطهری

جدای از نقدهایی که استاد مطهری نسبت به علوم انسانی غرب دارند و این نکته در آثار ایشان برجسته است، در ادامه نوشتار در صدیدیم با مراجعه به کتابها و سخنرانی‌های استاد مطهری، به الگوی مورد نظر ایشان در قالب بیان کلیات در حوزه علوم انسانی اسلامی دست یابیم.

ایشان هر علمی را که مفید به حال اسلام و جامعه اسلامی و انسانی باشد، در حوزه علوم دینی می‌داند و بر این باور است که اگر علوم را به دینی و غیر دینی تقسیم کنیم و علوم غیر دینی را خارج از دایره اسلام و محیط علمی اسلامی بدانیم، با جامعیت و خاتمیت اسلام ناسازگار است: بعد از اینکه مسلمانان، با آن متون اولیه که به منزله قانون اساسی اسلام است، مانند قرآن کریم، سنت پیامبر(ص) و اوصیای آن حضرت آشنا شدند، به حکم فرمان قرآن و حدیث پیغمبر(ص)، علم را مطلقاً به عنوان یک فریضه مسلم شناختند و تدریجاً علومی مدون شد. ... اساساً این تقسیم درستی نیست که ما علوم را به دو دسته تقسیم کنیم؛ علوم دینی و علوم غیردینی، تا این توهم پیش آید که علومی که اصطلاحاً علوم غیر دینی نامیده می‌شوند از اسلام بیگانه‌اند. جامعیت و خاتمیت اسلام اقتضا می‌کند که هر علم مفید و نافی را که برای جامعه اسلامی لازم و ضروری است، علم دینی بدانیم. (مطهری، 1369: 173-171)

آیا علوم انسانی اسلامی در حال حاضر وجود دارد؟ آیا استاد مطهری خود به تولید آن پرداخته‌اند؟ جدای از شکوایه‌ای که استاد مطهری در مورد کم‌کاری مسلمین در حوزه علوم انسانی بیان کرده‌اند، ایشان با وجود تمام مشکلات و نبود امکانات و فضای سیاسی ضد اسلامی حاکم در زمانشان، به بیان دیدگاههای اسلام و قرآن در مورد بعضی از مسائل علوم انسانی پرداخته و در مواردی مانند تعلیم و تربیت، فلسفه اخلاق، فلسفه تاریخ، اجتماع، حقوق زن، سیاست و ... اقدام به تولید علم اسلامی کرده‌اند. اگر چه این مطالب اغلب به صورت سخنرانی بیان شده‌اند، اما می‌توان برای تبیین چارچوبهای علوم انسانی اسلامی از آنها استفاده کرد.

استاد در کتابهای تعلیم و تربیت، فطرت، آشنایی با قرآن، شش مقاله و جاذبه و دافعه، بعد از بیان واژه‌شناسی لغوی و اصطلاحی تربیت و تعلیم، با ذکر انواع تربیت و ویژگی‌های آن، به تولید علم در مسائل اساسی تربیت اسلامی، مانند اهداف (ابتدایی، غائی و متوسط) و به خصوص عوامل و روشهای تربیت و تعلیم اسلامی به صورت نسبتاً گسترده پرداخته‌اند که بررسی و تحلیل آنها می‌تواند فضای علمی و تربیتی مشخص‌تری را در تربیت اسلامی نسبت به علوم تربیتی غربی به وجود آورد و پژوهشگران را در حوزه مسائل تعلیم و تربیت اسلامی یاری رساند.

استاد مطهری در کتابهای جامعه و تاریخ، فلسفه تاریخ، حق و باطل، قیام و انقلاب از دیدگاه فلسفه تاریخ و کتاب نقدی بر مارکسیسم، به بیان تعریفهای مختلف از تاریخ، اجتماعی بودن انسان، ماهیت تاریخ، نوع ترکیب آن، علمیت و ارزش تاریخ و انواع آن می‌پردازد و نظریه‌های رایج در این موارد را نقد می‌کند. ایشان در یک تقسیم کلی، علوم تاریخ را به سه بخش علوم نقلی، علوم عقلی و فلسفه تاریخ تقسیم می‌کند

و در فلسفه تاریخ با بیان دیدگاههای مختلف در مورد حرکت تاریخ، مانند عامل اقتصادی، جغرافیایی، نواخ، نژاد و خون، محیط، تعصبات قومی و غریزه برتری‌جویی و نقد آنها و باطل دانستن جبر تاریخی، مجموعه‌ای از خصوصیات فطری انسان، خردورزی، اراده انسان، کمال‌طلبی، آموزش‌پذیری، میل ذاتی به خلاقیت و... را از جمله عوامل اصلی حرکت تاریخ می‌داند. از منظر شهید مطهری، آینده تاریخ، آینده‌ای روشن است.

استاد در کتاب فلسفه اخلاق و کتاب حکمتها و اندرزها، بعد از بیان ارزش اخلاق فردی و اجتماعی و تفاوت‌های فعل طبیعی و فعل اخلاقی، محور اخلاق اسلامی را کرامت نفس می‌داند. در ادامه به مسئله خودشناسی و نقش آن در اخلاق و تفاوت خود واقعی و ناخود می‌پردازد. ایشان نظریه‌های مختلف در مورد منشأ فعل اخلاقی، مانند نظریه عاطفی، وجدانی، زیبایی، پرستش، معیار فعل اخلاقی از دیدگاه کانت، افلاطون، فلاسفه و راسل را بیان و آنها را نقد می‌کند و در نهایت، معیار و پایه فعل اخلاقی را معرف‌الله و ایمان به خدا می‌داند و اخلاق منهای ایمان را مانند اسکناس بدون پشتوانه می‌داند. این نوع نگرش نظام‌مند به اخلاق اسلامی و نقد دیدگاههای دیگر، در واقع نوعی تولید علم در این حوزه است.

استاد در کتاب نظام حقوق زن در اسلام و کتاب فلسفه حجاب، به بررسی حقوق زن در اسلام و غرب و فلسفه پوشش در اسلام می‌پردازد. استاد بعد از بیان ظلمی که به زن و نظام خانوادگی در طول تاریخ رفته است، به بیان نهضت‌های فکری و اجتماعی دنیای غرب از قرن هفدهم اشاره می‌کند که سرانجام به اعلامیه جهانی حقوق بشر انجامید. او بر این باور است اگر چه در اعلامیه، بعضی از حقوق زنان به رسمیت شناخته شده، اما به بهانه آزادی و تساوی حقوق زن و مرد، ظلم دیگری بر زنان رفته است. از منظر استاد، قول به تشابه زن و مرد ناشی از نادیده گرفتن اختلافات جسمی، روان‌شناسی و روحی بین آن دو است که طرح آفرینش الهی در طبیعت و فطرت زن و مرد به ودیعه نهاده است. وی در ادامه با آسیب‌شناسی نظام خانوادگی غرب، مبانی طبیعی تفاوت حقوق خانوادگی را در راز تفاوت‌های طبیعی و روان‌شناختی زن و مرد می‌داند و معتقد است آن دو باید با یکدیگر کامل شوند. استاد در ادامه به بعضی از آموزه‌های خانوادگی در اسلام، مانند خواستگاری، مهر و نفقه، مسئله ارث و تعدد زوجات می‌پردازد و به شبهات در این حوزه‌ها پاسخ می‌دهد. مسئله مهم دیگر در حقوق زنان، مسئله حجاب است که استاد با بیان فلسفه حجاب در اسلام و مقایسه آن با پوشش در سایر ملل و مذاهب و اقوام، حجاب اسلامی را مناسب‌تر و متکامل‌تر بیان می‌کند و به ایرادها و اشکالهای در مورد آن پاسخ می‌دهد و در پایان، حدود حجاب اسلامی را بیان می‌کند. بیان دیدگاههای استاد در مورد حقوق زنان به صورت نظام‌مند و نقد نظام حقوقی زن در غرب و پاسخ به اشکالاتی که در مورد حقوق انسان در اسلام است، نوعی تولید علم در حوزه مسائل زنان است.

استاد در کتابهای امامت و رهبری، ولاء و ولایت‌ها، پیرامون جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی به بیان اندیشه سیاسی اسلام در مورد حاکمیت، منشأ مشروعیت، مسئله رهبری، امامت، اداره کشور، ماهیت و هدف جمهوری اسلامی، ولایت فقیه و ویژگی‌های او، آزادی و دموکراسی و جایگاه و نقش مردم در

15 چیهستی علوم اسلامی و رابطه آن با علوم انسانی از منظر شهید مطهری

حکومت، حقوق اقلیتها و تفاوت جمهوری اسلامی ایران با نظام لیبرال دموکراسی غرب می‌پردازد. استاد، جمهوری اسلامی را نظامی می‌داند که قاعده و چارچوبهای آن اسلام است و در عمل بر اساس آرای مردم اداره می‌شود و به دلیل همراه شدن جنبه‌های دموکراتیک در آن با معنویت، ایمان، عواطف، عشق و احساس مسئولیت الهی مردم نظام مردم‌سالاری دینی از جایگاه خاصی برخوردار است و همین مسئله آن را از سایر نظامهای سیاسی جدا می‌کند.

و) خلاصه و نتیجه

این تحقیق درصدد بازشناسی اندیشه‌های عالم فرزانه استاد مرتضی مطهری به عنوان یک فیلسوف و متکلم احیاگر و مصلح، در مورد ماهیت علوم اسلامی و رابطه آن با علوم انسانی است. استاد مطهری بعد از بیان تعاریف مختلف از علوم اسلامی، در تعریفی عام، هر علمی که ما را در فهم برتر آموزه‌های اصیل دینی یاری رساند یا ناظر به مسائل مورد نیاز جامعه اسلامی و برطرف کننده نیازی از مسلمانان باشد، از باب فریضه در زمره علوم اسلامی می‌داند. وی با استناد به حدیث نبوی «طلب العلم فریضه علی کل مسلم»، محدود کردن علم اسلامی را به علوم دینی رایج مانند فقه، اخلاق، تفسیر و ادبیات عرب و ... ناصواب می‌داند و علوم را به علومی که مستقلاً واجب عینی است یا مقدمه علم واجب می‌باشند و علومی که مقدمه یک واجب کفایی اند و به عنوان فریضه و از باب واجب تهیوی واجب می‌شوند، تقسیم می‌کند. بنابر این، دایره علوم اسلامی، وسیع و بسیاری از علوم از باب فریضه در حوزه علوم اسلامی داخل می‌شود. از طرف دیگر، با توجه به اینکه معارف قرآنی و علوم اسلامی به مسائل انسان از قبیل هدایت، سعادت، تربیت، اجتماع و ... می‌پردازند و از جانب دیگر، موضوع علوم انسانی نیز انسان و مسائل فردی و اجتماعی اوست؛ این دو علم در بسیاری از مسائل دارای مرز مشترک و همپوشانی و تلاقی موضوعی می‌باشند. از این رو، علوم انسانی از باب فریضه در زمره علوم اسلامی قرار دارند؛ در صورتی که مسئله مبدا و معاد در آن لحاظ شود. استاد مطهری علوم انسانی غربی را به دلیل آنکه در بستر مادی و طبیعی گرایانه شکل گرفته و دارای جهت‌گیری سکولار و اهداف مادی و محدود به روش تجربی و عقل ابزاری است، بر نمی‌تابد. از این رو، در بعضی از حوزه‌های علوم انسانی، از جمله: تعلیم و تربیت، اخلاق، جامعه و تاریخ، حقوق زنان و مسائل خانوادگی، رهبری و سیاست و حتی اقتصاد ... هر چند محدود، اقدام به تولید علوم انسانی اسلامی کرده‌اند. علوم انسانی اسلامی مورد نظر شهید مطهری، علومی‌اند که به بحث و بررسی مسائل انسان، از قبیل روح و روان، اجتماع، فرهنگ، ارتباطات، سیاست، اقتصاد، حقوق و ... می‌پردازند و نگاه آنها به انسان، «از اویی» و «به سوی اویی» (توحیدی) است و بر اساس فطریات انسانی تدوین یافته و مبانی آن مستند به وحی، سنت و عقل می‌باشد. افزون بر این، ابزار شناخت آن به حس، تجربه و عقل ابزاری محدود نیست.



منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه.
- امام خمینی، سید روح‌اله (بی تا). صحیفه امام؛ ج 8. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- جوادی آملی، عبدالله (1377). شریعت در آینه معرفت. قم: اسراء.
- شریفی، احمدحسین (1393). مبانی علوم انسانی اسلامی. تهران: آفتاب توسعه.
- طباطبایی، محمدحسین (1374). المیزان فی تفسیر القرآن. ترجمه سید محمدباقر همدانی. قم: انتشارات اسلامی.
- فنایی، محمد (1377). دانش اسلامی و دانشگاه اسلامی. قم: مؤسسه امام خمینی.
- کلینی، محمد بن یعقوب (1363). اصول کافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- گلشنی، مهدی (1393). مجموعه مقالات علم دینی؛ دیدگاه‌ها و تحلیل‌ها. قم: حکمت.
- مطهری، مرتضی (1358). آشنایی با علوم اسلامی (منطق و فلسفه). تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (1376). اسلام و مقتضیات زمان و مکان. تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (1384/الف). انسان در قرآن. تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (1365). تکامل اجتماعی انسان؛ به ضمیمه هدف زندگی. تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (1369). ده گفتار (فریضه علم). تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (1380). صد گفتار. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- مطهری، مرتضی (1376). فلسفه اخلاق. تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (1375). فلسفه تاریخ. تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (1389). مجموعه آثار، ج 13. تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (1391). مجموعه آثار. تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (1392). مجموعه آثار، ج 26. تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (1357/الف). مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی (وحی و نبوت). تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (1357/ب). نظام حقوق زن. تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (1384/ب). نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر. تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (1382). وحی و نبوت. تهران: صدرا.

17 ❖ چيستی علوم اسلامی و رابطه آن با علوم انسانی از منظر شهید مطهری

- مطهری، مرتضی (1385). امدادهای غیبی. تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (1387). جامعه و تاریخ. تهران: صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر (1372). تفسیر نمونه. قم: دارالکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر (1403 ق). بحارالانوار. بیروت: مؤسسه الوفا.
- **The Holy Quran.**
- **Nahj al-Balaghe.**
- Chiellini, Muhammad ibn Ya'qub (1984). **Usul al-Kafi.** Tehran: Daralktb Islamiyah.
- Fanaee, Muhammad (1998). **Islamic knowledge and Islamic University.** Qom: Imam Khomeini Institute.
- Golshani, M. (2014). **Proceedings of Religious knowledge Havthlyl of View.** Qom: Wisdom Publications.
- Imam Khomeini, S.R. (without the). **Scripture Imam,** Vol. 8. Qom: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini (RA).
- Javadi Amoli, Abdullah (1998). **Law in the Mirror of knowledge.** Qom: Asra.
- Majlesee, M.B. (1403). **Bihar al-Anvar.** Beirut: Wafaa Institute.
- Makarem Shirazi, Naser (1993). **Interpretation of Nemoone.** Qom: Dar al-kotob.
- Motahhari, M. (2010). **Collected Works,** Vol. 13. Tehran: Sadra.
- Motahhari, M. (2012). **Collected Works.** Tehran: Sadra.
- Motahhari, M. (2013). **Collected Works,** Vol. 26. Tehran: Sadra.
- Motahhari, M. (2006). **Divine Intervention.** Tehran: Sadra.
- Motahhari, M. (1986). **Human Social Evolution to Attach the Purpose of Life.** Tehran: Sadra.
- Motahhari, M. (2001). **Hundred Words.** Tehran: Imam Sadeq University.
- Motahhari, M. (1979). **Introduction to Islamic Sciences** (Logic and Philosophy). Tehran: Sadra.
- Motahhari, M. (1978). **Introduction to the Islamic World** (Revelation and Prophecy). Tehran: Sadra.
- Motahhari, M. (1997). **Islam and the Circumstances of Time and Place.** Tehran: Sadra.
- Motahhari, M. (2005). **Islamic Movements in the last Hundred Years.** Tehran: Sadra.
- Motahhari, M. (2005). **Man in the Quran.** Tehran: Sadra.

- Motahhari, M. (2003). **Revelation and Prophecy**. Tehran: Sadra.
- Motahhari, M. (2008). **Society and History**. Tehran: Sadra.
- Motahhari, M. (1990). **Ten Speech**; the Ritual of Science. Tehran: Sadra.
- Motahhari, M. (1997). **The Philosophy of Ethics**. Tehran: Sadra.
- Motahhari, M. (1996). **The Philosophy of History**. Tehran: Sadra.
- Motahhari, M. (1978). **The Rights of Women**. Tehran: Sadra.
- Sharifi, Ahmad Hoseyn (2014). **The Foundations of the Islamic Human Sciences**. Tehran: Sunshine.
- Tabatabaei, S. Mohammad Hoseyn (1995). **Al-Mizan fi Tafsir al-Quran**. Translation Seyed Mohammad Hamedanee. Qom: Islamic Publications.

